

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى الْهَادِي الْبَشِيرِ، السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، سَيِّدِنَا سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، ابِالْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَا سَيِّمًا بَقِيَهُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ .

"أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بَتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ وَخَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ
بندگان خدا خودم را و همه شما عزیزان را به رعایت تقوای الهی سفارش می کنم.

قال الله الحكيم في كتابه: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

متقین رذایل اخلاقی را از خودشون دور می کنندو با نفس خود مبارزه وبا تمسک به قران
واهل بیت معصوم (ع) جهاد نفسانی دارند

از رسول گرامی اسلامی یاد بگیریم، یه نمونه اش راعرض می کنم

قالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) : يَا رَسُولَ اللَّهِ

شخصی آمد محضر رسول خدا ببینید اینجوری سؤال کرد عرض کرد

عَلَّمَنِي عَمَلًا لَا يُحَالُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ

یا رسول الله یک کار خوب به من یاد بده که به واسطه انجام آن هیچ چیز بین من و بهشت
مانع نشود یک راست بروم بهشت، البته با اعتقادات صحیح به مبدا و معاد نبوت وامامت
یعنی با همه چیز تمام بروم بهشت. باخیال راحت

حضرت فرمودند:

2 چیز را انجام بده،

خوب دقت کنید ببینید این دو چیز یک نمونه ای است از تزکیه ی نفس است

قال: لا تَغْضَبْ، و لا تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا.

اول: فرمود قَالَ لَا تَغْضَبْ می خواهی بری بهشت باید اهل غضب نباشی، خشمگین

نشو. هیچ وقت غضب نکن، باید مراقب خشم و غضب خود باشی و مدیریت کنیم خشم خودمان را

حلم شیخ محمد تقی بافقی یزدی را شاید شنیده باشید

خیلی عجیبه یک عالم بزرگ، مجتهد اینطوری برخورد می کند با مردم.

در گذشته حمام عمومی بود. شیخ محمد تقی بافقی یزدی رفته بودند حمام.

در حمام، یک سرهنگی ریشش را میتراشید، آقا شیخ محمد تقی متوجه شد، فرمودند: آقا ریشتان را نتراشید حرام است، یک کشیده به آقا زد،

آقا شیخ فرمودند: یک کشیده دیگر هم بزن، اما ریشت را نتراش!

این را میگویند حلم و بردباری که توام با ایمان و تدبیر بدست میاد

این سرهنگ وقتی از حمام بیرون می آید می بیند

به به مردم دست آقا را می بوسند، صلوات می فرستند، از یک نفر می پرسد: آقا چه کسی هستند؟ او می گوید: آیت الله شیخ محمد تقی بافقی یزدی

سرهنگ خیلی ناراحت میشود، به پای آقا می افتد، از آقا عذر خواهی میکند و از مرید های ایشان میشود و محاسن میگذارد و تا آخر عمر شیخ، مریدش می ماند.

برای چی؟ حلم. برای صبر و بردباری

اگر آن وقتی که سرهنگ کشیده زد، شیخ میگفت: پدر سوخته میزنی؟ و مریدهاش میریختند و او را میزدند، دیگر مرید آقا شیخ نمیشد

فلذا انسان با تقوا اهل حلم و شکیبایی است که خشم را مدیریت و غضب را تبدیل به حلم میکند.

دوم: فرمودند میخوای بی واسطه بری بهشت: لا تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا.

از مردم چیزی نخواه هرچی میخوای از خدا بخواه

امام باقر «ع» فرمودند:

طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ اسْتِلَابٌ لِلْعِزَّةِ وَ مَذْهَبُهُ لِلْحَيَاءِ، وَ الْيَأْسُ مَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ

درخواست حاجت از مردم، موجب به تاراج رفتن عزت و از دست دادن حیاست؛ و ناامید بودن و چشم طمع نداشتن به مال مردم، باعث عزت مؤمنان است و امید بستن به مال مردم، باعث تنگدسی و فقر می شود.

جالبه روایت میگه از مردم چیزی بخوای باعث فقر میشه

خیلی خالبه ادم از مردم چیزی بگیره باید پولدار بشه روایت میگه فقیر میشی.

این که انسان دست پیش دیگران دراز کند این با عزت انسان سازگار نیست.

خداوند دوست دارد بندگان عزیز باشند.

پیامبر «صلى الله عليه وآله وسلم» مقید بود که از مردم چیزی نخواهد.

پیامبر فرمودند: اگر سوار بر اسب بودی حتی اگر تازیانه از دست افتاد، پیاده شو و آن را بردار [از کسی نخواه آن را بردارد و به تو بدهد].

چرا چون خواستن از دیگران باعث فقر میشه عرت از بین میره.

این داستان را هم بگم خیلی جالبه

مردی از اصحاب پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» در تنگنای معیشت قرار گرفت. همسرش به او گفت: هنگامی که نزد رسول خدا رفتی، از او درخواست کمک کن.

آن مرد به حضور پیامبر رسید، چون حضرت او را دید، فرمود: هر کس از ما چیزی بخواهد، به او عطا می کنیم و هر که اظهار بی نیاز کند، خدا او را غنی گرداند.

اون مرد با خودش گفت: پیامبر منظوری جز من نداشت. پس به نزد همسرش بازگشت و او را از این ماجرا آگاه کرد. زن به او گفت: پیامبر خدا بشر است و —ممکن است از وضع تو خبر نداشته باشد— پس او را از وضع خود آگاه کن.

رسول خدا چون دوباره او را دید، فرمود: هر کس از ما چیزی بخواهد، به او عطا می کنیم و هر که اظهار بی نیازی کند، خدا او را غنی می گرداند. تا اینکه این کار سه بار تکرار شد.

آنگاه مرد رفت و تیشه ای به عاریه گرفت و عازم کوه شد و از آن بالا رفت و مقداری هیزم تهیه کرد، آنها را به بازار آورد و به ازای نصف مد آرد، فروخت. سپس به خانه بازگشت و آن آرد را پختند و خوردند. فردا نیز به کوه رفت و از آن بالا رفته و مقداری بیش از روز قبل، هیزم تهیه کرد و سپس آن را فروخت و پیوسته به این کار ادامه داد و مال فراهم کرد، تا آنکه با آن، تیشه ای خرید. سپس مال بیشتری گرد آورد و با آن، بچه شتر و یک غلام خرید، تا زمانی که داراییش زیاد گردید و ثروتمند شد.

پس نزد پیامبر آمد و او را از ماجرا خبر داد که چگونه برای عرض نیاز به محضر پیامبر آمده و از آن حضرت چه شنید.

آنگاه حضرت «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود: به تو گفتم که هر کس از ما چیزی بخواهد به او عطا می کنیم و اگر بی نیازی ابراز کند، خدا او را توانگر می سازد.

خداوند انشاءالله به همه ما توفیق عمل به این روایات را عنایت بفرماید

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. صَدَقَ اللَّهُ الْعَلَى الْعَظِيمُ.

----- خطبه دوم بسم الله الرحمن الرحيم -----

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأَمَمِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ
السَّالِفَةِ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَنَجِّبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِّكَ مِنْ عِبَادِكَ،
إِمَامَ الرَّحْمَةِ، وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ سَيِّدَنَا وَنَبِيَّنَا مُحَمَّدٌ وَعَلَى أَبُو الْحَسَنِ، يَعْسُوبُ الدِّينِ، رَئِيسُ
الْمَوْحِدِينَ، سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، إِمَامُ الْمُتَّقِينَ، أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ حَبِيبَةِ اللَّهِ
سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الْحَسَنِ وَالحسين سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى وَ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالحسن بْنِ عَلِيٍّ وَالخَلْفِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ حَجَّكَ اللَّهُ عَلَى
عِبَادِكَ وَأَمَانَتِكَ فِي بِلَادِكَ

بزرگترین آسیب در جوامع دینی و ارزشی که نسبت امام و امت در آن

برقرار است، اختلال دستگاه محاسباتی امت بر اثر فاصله افتادن بین محاسبات

امت و دستگاه محاسباتی ولیّ جامعه است.

به عنوان شاهد عرض کنم، «چیزی که امام حسن مجتبی علیه السلام را شکست داد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود. مردم، تحلیل سیاسی نداشتند. چیزی که فتنه‌ی خوارج را به وجود آورد و امیرالمومنین علیه السلام را آن طور زیر فشار قرار داد و قدرتمندترین آدم تاریخ را آن گونه مظلوم کرد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود و الا همه‌ی مردم که بی دین نبودند. تحلیل سیاسی نداشتند. یک شایعه دشمن می انداخت؛ فوراً این شایعه همه جا پخش می شد و همه آن را قبول می کردند»

لذا باید بدانیم که «دشمن سعی فراوانی می کند که فهم و ادراک تصمیم سازان، تصمیم گیران، آحاد مردم و افکار عمومی را از واقعیت منحرف کند. سعی اش این است که مصلحت ملی ما را طبق خواست خودشان تعریف کند؛ و عقلانیت به آن معنای غلط را تلقین کند، بعضی هم نادانسته گاهی حرفهای دشمن را تکرار می کنند. عقلانیت به معنای محاسبه‌ی صحیح و داشتن دستگاه محاسباتی سالم است. بعضی ها اسم عقل و عقلانیت را که می آورند، اما منظورشان از عقلانیت ترسیدن است؛ وقتی می گویند عاقل باشید، یعنی بترسید، منفعل باشید، از مقابل دشمن فرار کنید! نه، این درست نیست؛ ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند. ترسیدن و فرار کردن و میدان را خالی کردن،

اسمش عقلانیت نیست، اسمش همان ترس و فرار و مانند این‌ها است؛ عقلانیت

یعنی محاسبه‌ی درست.

مهم این است که دستگاه محاسباتی را حفظ کنیم، سالم نگه داریم، نگذاریم

دچار اختلال بشود. اگر دستگاه محاسباتی ما اختلال پیدا کند، بسیاری از

امکانات ما هم از دست ما خواهد رفت، شرایط خوب ما تبدیل به شرایط بد

خواهد شد»

اولین و اصلی‌ترین مرحله در محاسبه صحیح

نگاه صحیح به وضعیت‌ها است. کارشناسان و تحلیل‌گران بر این باورند که

صحیح‌ترین نوع نگاه به وضعیت‌ها، نگاه روندی است.

نگاه روندی، نگاه مقطعی و محدود به حوادث نیست. حوادث سیاسی

اجتماعی، ذاتاً روندی‌اند، یعنی زنجیره‌ای از مقدمات و زمینه‌ها، این حادثه را

بوجود آورده‌اند؛ و همچنین ماجرای این حادثه به همین جا ختم نمی‌شود و

خودش حلقه‌ای از زنجیره سایر مقدمات و زمینه‌ها برای حوادث آینده است.

نگاه روندی، یعنی نگاه تاریخمندانه و آینده‌نگرانه به واقعیت‌ها؛ و نیفتادن

در تله اکنون. مثلاً تحولات سوریه، همیشه یک روند است؛ و اشغال آن مرحله‌ای

از مراحل این روند است. با سقوط حکومت بشار اسد، چیزی تمام نشده، بلکه روند مواجهه جبهه مقاومت با جبهه شررات، وارد مرحله جدیدی شده است. نباید در موقف اکنون توقف کرد. درک مرحله‌ای و روندی از وضعیت، مانع انفعال می‌شود، چرا که «خطر انفعال گاهی از خود حادثه بیشتر است. انفعال یعنی اینکه انسان نگاه کند و به این احساس برسد که هیچ کاری نمی‌تواند بکند، پس تسلیم بشود! انفعال از مؤمن نباید سر بزند.

اگر دشمن احساس کند که شما منفعل و اهل عقب‌نشینی هستید، کوتاه نمی‌آید. اصلاً در عالم سیاست کوتاه آمدن نیست، می‌آیند جلو و مرتباً زیاده‌خواهی می‌کنند هر گونه انفعال در مقابل دشمن، دشمن را تشجیع می‌کند به اینکه توقع بیشتری را مطرح کند، یک قدم جلو بیاید»

الزامات نگاه روندی و غیر منفعل

«این خیلی مهم است که انسان در مقابل دشمن، دچار انفعال نشود. تمام سعی امروز استکبار این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خُرد کنند. انفعال در مقابل دشمن، غلط‌ترین کار و بزرگ‌ترین اشتباه است. دشمن را از لحاظ دشمنی، باید به حساب آورد؛ یعنی در مقابل او، او را حقیر نشمرد و در برابرش آماده بود و دفاع کرد؛ اما از دشمن نباید حساب برد،

نباید تحت تأثیر قرار گرفت و نباید در مقابله منفعل شد. دشمن می‌خواهد

جوامع را منفعل کند»

از این رو «مواجهه‌ی ما با مسائل و موضوعات کشور و با دشمنان مان باید

اولاً شجاعانه باشد، مرعوبانه نباشد؛

ثانیاً امیدوارانه باشد، مأیوسانه نباشد؛

ثالثاً عاقلانه و خردمندانه باشد، هیجانی و احساساتیِ سطحی نباشد؛

رابعاً مبتکرانه باشد، از روی انفعال نباشد؛ ابتکار کنیم؛ اگر به این کیفیت

حرکت کردیم، بدانید ملت ایران در مواجهه‌ی با همه‌ی قدرت‌های بزرگ توفیق

خواهد یافت و خواهد توانست پیش برود»

(به مناسبت استقبال و برنامه‌ریزی از ایام البیض ماه رجب) نکته‌ای عرض کنم

از فرصت ماه رجب برای استغفار و روزه استفاده کنیم

و مهم‌ترین موضوع هم در ماه رجب مسأله اعتکاف هستش

ما انشاءالله تصمیم داریم برنامه اعتکاف را به نحو احسن برگزار کنیم از همه شما عزیزان

دعوت میکنم ما را کمک کنید

اعتکاف، از نشانه‌های پیشروی و موفقیت انقلاب اسلامی است

اعتکاف، دلیلی برای تحلیل‌های مثبت وضعیت فرهنگی اجتماعی شهر هشتش

اعتکاف، نمادی از سرمایه ارزشمند نظام

اعتکاف، جلوه‌ای از قدرت نامتقارن نظام اسلامی

اعتکاف، هم جهاد اکبر، هم جهاد کبیر

اعتکاف، مایه امید به جوانان است. باید مراقب باشیم جوانی که به واسطه شرکت در

اعتکاف امیدوار شده خدایی نکرده ناامید نکنیم.

اعتکاف، فرصت ناب فرهنگی هشتش

ما بهترین فرصت را در اعتکاف داریم که برنامه‌های فرهنگی شهر را سامان بدیم.

خیلی از آسیب‌های اجتماعی که در شهر هشتش در اعتکاف قابل حل هشتش چون در

اعتکاف از همه اقشار حضور دارند. جوان و نوجوان امروز در مساجد در ایام عادی

نیستند ولی در اعتکاف هستند.

اگر قرار است اینجا که مشهور است به دار المومنین واقعا دار المومنین باشه باید در موضوع اعتکاف کم کاری نشه. از هیچ مسئولی پذیرفته نمی شود که در موضوع اعتکاف کم کاری کند.

هر کسی به نوبه خودش ما را کمک کند.

الحمدلله ظرفیت فرهنگی شهر زاوین کم نیست

ما همین جا از روحانیون و طلاب جوان و فعالان قرآنی و همه فرهنگیان معلمان و مدیران مدارس خواهش میکنیم در بحث محتوا و کار فرهنگی به ما کمک کنند واقعا ظرفیت های خوبی داریم.

هیئت امنای مساجد ظرفیت خوبی هستند ما را کمک کنند

این شهر مدیران و معلمان و طلاب دلسوزی دارد ، باید بیایند پای کار و کمک کنند.

خیرین و کسانی که خودشان توفیق حضور ندارند کمک کنند یقینا در ثواب معتکفین شریک خواهند بود.

اشاره ای بکنم به یکی از مناسبت های پیش رو

میکنم

یکی از صحابه مشهور امام هادی علیهم السلام است به نام حسن می گوید:

در یکی از روزها که به قصد زیارت حضرت هادی (علیه السلام) می رفتم به

سختی زمین خوردم و انگشتم ضربه دید و لحظاتی بعد بر اثر برخورد با یک نفر

سواره، شانه ام نیز صدمه دید و غیر از این ها در میان ازدحام جمعیت لباسم پاره

شد، از این رو با عصبانیت گفتم: «ای روزگار بد! خداوند مرا از شر تو حفظ کند.

عجب روز بدی هستی!» (كَفَانِي اللَّهُ شَرَّكَ مِنْ يَوْمٍ فَمَا أَيْشَمَكِ). وقتی به محضر

مبارک امام هادی (علیه السلام) رسیدم، حضرت گلایه مندانه به من فرمودند:

ای حسن! تو هم که نزد ما رفت و آمد داری گناه خود را بر گردن چیزی

می اندازی که گناهی ندارد؟ (يَا حَسَنُ هَذَا وَ أَنْتَ تَعْشَانَا تَرْمِي بِذَنْبِكَ مَنْ لَا ذَنْبَ

لَهُ). مگر روزها چه گناهی دارند که وقتی جزای کردار خود را می بینید آن ها

را شوم پنداشته و به آن ها بد می گوئید؟ (مَا ذَنْبُ اللَّيَامِ حَتَّى صِرْتُمْ تَتَشَامُونَ بِهَا

إِذَا جُوزِيْتُمْ بِأَعْمَالِكُمْ فِيهَا). برای روزها هیچ تأثیری در فرمان و حکم خدا قائل

مشو! (لَا تَعْدُو وَلَا تَجْعَلُ لِلَّيَامِ صُنْعاً فِي حُكْمِ اللَّهِ) (تحف العقول، ص 482—

((483)).

این آموزه امام هادی (علیه السلام) یکی از جنبه‌های زیست مؤمنانه‌ی

عقلایی است که حضرات معصومین (علیهم السلام) نسبت به آن اهتمام و توصیه
اکید داشتند.

به‌عنوان نمونه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «به بادها ناسزا

مگویید؛ آن‌ها از جانب خدا مأمور و از جلوه‌های رحمت الهی هستند»

(لَا تَسُبُّوا الرِّيحَ فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ؛ لَا تَسُبُّوا الرِّيحَ فَإِنَّهَا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ)

«به کوه‌ها و ساعت‌ها و لحظات و روزها و شب‌ها را ناسزا نگویید که گنهکار

می‌شوید و به خودتان بر می‌گردد»

(لَا تَسُبُّوا الْجِبَالَ وَ لَا السَّاعَاتِ وَ لَا الْأَيَّامَ وَ لَا اللَّيَالِيَ فَتَأْتُمُوا وَ تَرْجِعَ عَلَيْكُمْ).

«به روزگار ناسزا مگویید؛ زیرا خداوند همان روزگار است؛ [منشأ کارهایی

که به دهر نسبت داده می‌شود، خداوند است و بنابراین، ناسزاگویی به دهر، به

خداوند باز می‌گردد]. از این رو است که خداوند می‌فرماید: روزگار من هستم.

شب از من است و من آن را نو می‌کنم و کهنه می‌گردانم»

(لَا تَسُبُّوا الدَّهْرَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الدَّهْرُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: أَنَا الدَّهْرُ، لِيَ اللَّيْلِ

اجِدُهُ وَأُبْلِيهِ (نک: میزان الحکمه، ج 5، ص ۱۸۸)).

علاوه بر اینکه در ادبیات مؤمنانه، لعن نیز بسیار محدود است و جز بر کسانی که در فرهنگ ثقلین مورد لعن قرار گرفته‌اند، نباید افراد دیگری مورد لعن قرار گیرند. در این رابطه امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: «هنگامی که لعنت از دهان کسی بیرون می‌آید، میان او و کسی که لعنت شده است، مردد می‌ماند؛ اگر راه و مجوزی برای رفتن به سوی لعنت‌شده نیابد؛ و لعنت‌شده سزاوار لعنت نباشد، به سوی لعنت‌کننده برمی‌گردد؛ چرا که او به آن سزاوارتر است.

پس باید مراقب باشیم، از لعنت کردن مؤمن پرهیزیم، که به خودمان برمی‌گردد»

در پایان از حضور تک تک شما عزیزان مردم خوب شهر زاوین و چناروروستاهای اطراف دانش آموزان و معلمان و مدیران و مسئولین و مهمانان گرانقدر که از جاهای مختلف در نماز جمعه شرکت فرمودید متشکرم.

انشالله خداوند به همه شما عزیزان طول عمر با برکت عنایت بفرماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ